Social Crisis Management

2

Vol. 17
Autumn 2025

Research Paper

Received: 2025 May 12
Revised: 2025 May 31
Accepted: 2025 June 10
Published: 2025 June 10
P.P: 127-156

ISSN: 3115-7947
E-ISSN: 3115-7521

# Quranic Principles and Foundations of Jihadi Management of Social Crises

Hossein Mohammadi Sirat[1]

## Abstract

The increasing tendency to study social crises and the effort to provide a model for efficient crisis management has led to the production of numerous and diverse analyzes in this field. The fundamental questions in this area are what are crises, how do they arise, why do they arise and spread rapidly, and how can they be managed? But most of the answers to these kinds of questions are in the form of Western and non-religious discourse. The present study aims to define the lexical and idiomatic crisis and study the common principles and models of crisis management, in the form of a case study, the jihadist management life of Prophets Noah, Moses and the Holy Prophet of Islam in the face of social crises to study and answer the question; what were the principles of crisis management of these divine prophets? And how did they control and direct the crisis in a jihadist approach? For this purpose, he examined verses from the Holy Quran that express the occurrence of social crises among the people of Noah (PBUH), MOSES (PBUH) and Muhammad (PBUH) and selected the principles that he used to manage the crisis and in the form of a process it has analyzed and discussed the three stages of crisis formation. Finally, after extracting the principles of jihadi crisis management, he has obtained twelve principles of crisis management, which he has presented in the form of a rotational model of crisis management. The most important of these principles are: anticipation and preparedness, prevention, rapid response, containment, elimination of critical factors, and study of the crisis and its reconstruction.

**Keywords:** Holy Quran, Crisis, Crisis Management, Prophet Noah (PBUH).

1. Assistant Professor, Imam Sadegh University, Tehran, Iran hmsirat81@gmail.com

**Cite this Paper:** Mohammadi Sirat, Hossein. (1404). Quranic Principles and Foundations of Jihadi Management of Social Crises. Social Crisis Management, 17(3), 127-156.

**Dor: 20.1001.1.31157947.1404.17.3.6.7**

**Publisher:** Imam Hussein University

© **Authors**

This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0) .

مدیریت بحران‌های اجتماعی

# اصول و مبانی قرآنی مدیریت جهادی بحران‌های اجتماعی

حسین محمدی سیرت[1]

۳
دوره هفدهم
پاییز ۱٤۰٤
مقاله پژوهشی
تاریخ دریافت: ۱٤۰٤/۰۲/۲۲
تاریخ بازنگری: ۱٤۰٤/۰۳/۱۰
تاریخ پذیرش: ۱٤۰٤/۰۳/۲۰
تاریخ انتشار: ۱٤۰٤/۰۳/۲۰
صص: ۱۵۶-۱۲۷
شاپا چاپی: ۷۹٤۷-۳۱۱۵
الکترونیکی: ۷۵۲۱-۳۱۱۵

## چکیده

تمایل روز افزون به مطالعات بحران‌های اجتماعی و تلاش در جهت ارائه‌ی الگو به منظور مدیریت کارآمد بحران‌ها، موجب تولید تحلیل‌های پرشمار و گوناگون در این زمینه بوده است. پرسش‌های بنیادین در این حوزه آن است که بحران‌ها چیستند، چگونه به وجود می‌آیند، چرا ایجاد شده و به سرعت گسترش می‌یابند و چطور می‌توان آن‌ها را مدیریت کرد؟ لکن بیشتر پاسخ‌ها به این قسم سؤالات در قالب گفتمان غربی و غیردینی مطرح شده است. پژوهش حاضر قصد دارد ضمن تعریف لغوی و اصطلاحی بحران و مطالعه‌ی اصول و الگوهای رایج مدیریت بحران، در قالب یک مطالعه‌ی موردی، سیره‌ی مدیریتی جهادی حضرت نوح (ع)، موسی (ع) و نبی مکرّم اسلام (ص) در مواجهه با بحران‌های اجتماعی را مطالعه نماید و به این سؤال پاسخ دهد که اصول مدیریت بحران این پیامبران الهی، کدام اصول بوده است؟ و چگونه در رویکردی جهادی بحران را کنترل و هدایت کردند؟ به همین منظور آیاتی از قرآن کریم که بیان‌کننده وقوع بحران اجتماعی در میان قوم نوح (ع)، موسی (ع) و محمد (ص) است را بررسی نموده و اصولی که ایشان جهت مدیریت بحران به کار بسته‌اند را برگزیده و در قالب فرآیند سه مرحله‌ای شکل‌گیری بحران، تحلیل و بحث نموده است. نهایتاً پس از استخراج اصول مدیریت جهادی بحران، به دوازده اصل مدیریت بحران دست‌یافته که آنان را در قالب الگوی چرخشی مدیریت بحران ارائه کرده است. مهم‌ترین این اصول عبارتند از: پیش‌بینی و ایجاد آمادگی، پیش‌گیری، پاسخ‌دهی سریع، مهارسازی، حذف عوامل بحران‌زا، مطالعه و بررسی بحران و بازسازی آن می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن کریم، بحران، مدیریت بحران، حضرت نوح (ع)، حضرت موسی (ع)، حضرت محمد (ص)

۱. استادیار، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران
hmsirat81@gmail.com

**استناد:** محمدی سیرت, حسین. (۱۴۰۴). اصول و مبانی قرآنی مدیریت جهادی بحران‌های اجتماعی. مدیریت بحران‌های اجتماعی, ۱۷(۳), ۱۲۷-۱۵۶.
Dor: 20.1001.1.31157947.1404.17.3.6.7
ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

© نویسندگان
این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی ( Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

## مقدمه

علوم انسانی نوین، بر مبانی غربی و در برخی موارد غیردینی تبیین شده است و با ساختارهای رایج اجتماعی و فرهنگی اسلام و ایران در بسیاری موارد همسویی ندارند. علوم انسانی بومی و هماهنگ با باورهای مذهبی و قومی نیاز مبرم هر جامعه‌ای است. نقص و کمبود و کپی‌برداری‌های ناشیانه از الگوهای غربی علوم انسانی، آثار زیان‌باری داشته که البته پرداختن به آن خارج از موضوع این تحقیق است.

تولید علوم انسانی اسلامی و ایرانی بدون توجه به قرآن کریم که اصلی‌ترین منبع اندیشه‌های دینی است امکان‌پذیر نخواهد بود و باید توجهی اساسی و مبنایی به این منبع الهی برای درک معارف دینی داشت. «بحران» و «مدیریت بحران» یکی موضوعات پر تکرار در زندگی روزمره جوامع بشری است و پژوهشگران و مدیران نمی‌توانند جامعه‌ای را بدون توجه به بحران‌های پیش‌روی آن مدیریت نمایند. الگوهای رایج ارائه شده در مدیریت بحران اصولاً بر اساس مبانی غربی و غیردینی طراحی شده‌اند و در بسیاری موارد قابل اقتباس و بهره‌برداری‌اند، لکن با توجه به مبانی متفاوت اندیشه‌ی غربی، ناهمخوانی‌های بسیاری با الگوی مطلوب مدیریت جوامعی اسلامی دارند، لذا ارائه‌ی الگویی دینی و قرآنی از مدیریت بحران جهت اداره‌ی بحران‌های اجتماعی در جوامع دینی ضروری به نظر می‌رسد. بحران‌ها و شداید اجتماعی یکی از زمینه‌های لزوم اتخاذ رویکردهای جهادی در مدیریت است، لذا با مطالعه‌ی قصص قرآنی از سیره‌ی انبیاء (علیهم‌السلام) که در برابر بسیاری از بحران‌های اجتماعی قرار گرفتند و در تعداد قابل توجهی از آیات قرآن کریم به داستان زندگی ایشان اشاره شده است، در مسیر دستیابی به الگوی مطلوب قرآنی مدیریت جهادی بحران، گامی مؤثر خواهد بود.

در ابتدا با بهره‌گیری از منابع مختلف علم مدیریت و سیاست مفهوم بحران را بررسی نموده و سپس به بیان الگو و راهبرد مختار در مدیریت جهادی بحران پرداخته، در گام نهایی با مطالعه‌ی موردی قصصی از نحوه‌ی مدیریت بحران نوح (ع)، موسی (ع) و محمد (ص)، در قرآن کریم سعی کرده اصول قرآنی مدیریت جهادی بحران را استخراج نماییم. در صدد بیان اصول هستیم و

سیاست‌های عملی مبتنی بر آن‌ها در شرایط خاص خود شکل می‌گیرد و از هدف پژوهش پیش رو خارج است.

**۱. ادبیات نظری و چارچوب مفهومی**

در اغلب موارد عامل شکاف و چند دستگی میان دانشمندان علوم اجتماعی زبان مشترک است. بحران نیز از این قاعده مستثنی نیست. بحران مانند بسیاری از واژه‌های موجود در علوم انسانی واژه‌ای سیال و گسترده است و تعاریف گوناگونی از آن ارائه شده است و بسته به نوع دیدگاه تحلیل‌گر، نویسنده و یا هر مخاطب دیگر معنای خاص خود را دارد، به عنوان مثال بحران را ممکن است از دیدگاه یک سیاستمدار ترسیم نمود که مطمئناً عناصر و عوامل متشکل آن متفاوت از آن‌هایی است که در دیدگاه یک ناظر مستقل متجلی می‌گردد.

**۱-۱. مفهوم بحران**

**۱-۱-۱. تعریف لغوی:**

برای واژه بحران سه معنی در نظر گرفته‌اند: ۱. الف: نقطه عطف از یک حالت بد به یک حالت خوب تر در یک بیماری حاد یا تب ب: حمله پروگزیمال یا درد، ناراحتی، یا اختلال عملکرد ج: یک رویداد عاطفی قابل توجه و یا تغییر ناگهانی در وضعیت زندگی یک فرد ۲. لحظه‌ای تعیین‌کننده ۳. زمان ناپایدار یا حیاتی یا شرایطی از امور که در آن یک تغییر اساسی قریب‌الوقوع است، به‌خصوص با یک احتمال بسیار نامطلوب مانند آثار یک بحران مالی ب: وضعیتی که به مرحله بحرانی رسیده مانند یک بحران زیست محیطی ( marriam-webster, 2006, p.296).

«بحران» لفظ یونانی و معرب است و معادل واژه crisis در انگلیسی است که ریشه‌ی یونانی آن krisis به معنی نقطه عطف در بیماری است. در فرهنگ چینی واژه بحران معادل فرصت خطرناک است، یعنی ترکیبی از تهدید و فرصت. واژه crisis را بحران، شور، سرگشتگی، نقطه عطف، سختی و پریشان حالی معنای کرده‌اند(آریان‌پور،۱۳۷۷، ج۱، ص۱۲۰۳).

فرهنگ دهخدا بحران را این گونه تعریف می‌کند: «تغییری که بیمار را پیدا آید در تب و با یوم اضافه شود چنانکه گویند «یوم بحران»، «لفظ بحران در اصل یونانی است»، «بحران تغییر حال

بیمار است از حالی به حالی یا بهتر یا بدتر». دهخدا در ادامه انواع بحران را تعریف می‌کند که به عنوان نمونه تعریف وی از بحران سیاسی را ذکر می‌کنیم «بحران سیاسی؛ حالتی که در نتیجه‌ی آن توازن نظام اجتماعی دگرگون شود و دولت‌ها و نظام‌های اجتماعی ناچار به سقوط یا ترمیم یا تعویض گردند» (دهخدا، ۳۷۹۶:۱۳۷۲). در فرهنگ عمید بحران «آشفتگی و تغییر حالت، تغییر حالت ناگهانی مریض تب‌دار که منجر به بهبودی یا مرگ او بشود.» تعریف شده است (عمید، ۱۳۸:۱۳۴۰). به اصطلاح اطباء، منازعت طبیعت با مریض، شدت ناگهانی بیماری، تغییری که بیمار را پیدا آید در تب (دایرهٔ المعارف جامع اسلامی، ۳۸۲:۱۳۸۹).

در مجموع واژه بحران به یک تغییر و تحول ناگهانی که از قبل پیش‌بینی نشده است اشاره دارد و می‌توان جمع‌بندی زیر را از معنای این واژه به دست آورد: «سرگشتگی بهتر یا بدتر شدن ناگهانی، آشفتگی، سردرگمی یا اضطراب، آشوب، نقطه عطف، نزدیک شدن به خطر، سختی و پریشان حالی، شدیدترین مرحله سختی، رنج کشیدن» و ... (بشیر،۵۱:۱۳۸۷-۵۵).

### ۱-۱-۲. تعریف اصطلاحی

چارلز مک کلند معتقد است در پنجاه سال گذشته از منظرهای گوناگون تحقیقاتی و با رویکردهای متفاوت روش شناختی، مطالعات بسیاری درباره بحران انجام گرفته، لیکن چنین تلاش‌هایی نه تنها موجب ارائه‌ی تعریفی شفاف از این مفهوم نشده، بلکه درک آن را به مراتب پیچیده‌تر کرده‌اند (حسینی، ۱۱:۱۳۸۴و۱۲). بحران با مفاهیم بسیار مرتبط است: «درگیری، ستیز، بی‌ثباتی، انقلاب، شورش، اسقاط نظم و نظام حاکم» (اسماعیلی، ۱۳:۱۳۸۸) و خود گواه دشواری تعریف بحران است. از منظر زبان‌شناختی می‌توان گفت، دال مفهوم بحران به مدلول وجود ندارد و رابطه قراردادی است و مفهوم بحران، مصادیق خود را در بستر گفتمان‌های گوناگون می‌جوید، لذا بهترین راه تعریف، مشرب فوکویی یعنی روایتی گفتمانی (دیرینه شناختی) از مفهوم بحران است (تاجیک، ۴۷:۱۳۷۹). هرماندر یک مطالعه کلاسیک دریافت بحران‌ها را به سه ویژگی می‌توان از دیگر رویدادهای ناخوشایند ممتاز کرد: ۱. غیرمنتظره بودن ۲. تهدیدزا بودن ۳. محدود بودن به زمان واکنش به آن (هرمان، ۶۲:۱۹۶۳). در مجموع از بحران، تعاریف متعددی بیان شده است که می‌توان آن‌ها را در قالب چهار رویکرد اصلی دسته بندی نمود:

**اول. رویکـرد سیسـتمی:** «بحـران عبـارت اسـت از وضـعیتی کـه نظـم سیسـتم اصـلی یـا قسمت‌هایی از آن را که سیستم فرعی می‌نامیم مختل کرده و پایداری آن را به هـم بزنـد. بـه زبـان دیگر یک بحران وضعیتی است که تغییر ناگهانی در یک یا چند قسمت از عوامل متغیر سیسـتم بـه وجود می‌آورد» (کاظمی، ۱۴:۱۳۶۶). در این تعریف آن چه مهم است شـناخت و کنتـرل عـواملی است که سیستم را دچار بحران می‌کنند. پرو با تفاوت قائل شدن بین حادثـه و بحـران، «بحـران» را اختلالی عمده می‌داند که عکس حادثه، کل نظام را از کار بـاز مـی‌دارد و سیسـتم را بـا مشـکلات عمده روبه‌رو می‌کند و حیات آن را به مخاطره می‌اندازد (پرو، ۳۳:۱۹۸۴).

**دوم. رویکرد ارگانیکی:** «این تعریف بحـران را یـک «نقطـه عطـف» در تحـول و توسـعه‌ی یک رویداد یا یک ارگانیسم معرفی می‌کند. در همین مسیر بحران «نقطه حساس» را شامل می‌شود که در نهایت ممکن است ناشی از یک تحول متناسب و خوب و یا نامساعد باشـد؛ ماننـد مـرگ و زندگی، تخاصم یا دوستی، تعادل یـا ناپایـداری» (رابـرت، ۴:۱۹۸۸) کـه برخـی از مهـم‌تـرین ایـن تعاریف عبارتند از:

**یک.** از دیدگاه لوسین پای بحران مرحله‌ای گذرا و زمینـه‌ای اسـت کـه منجـر بـه نـوآوری و تحول می‌گردد و سبب پیشرفت و تغییر جامعه می‌شود. «بحران‌ها بیانگر موقعیت‌هایی هستند که در آن‌ها جامعه در جهتی نوحرکت می‌کند. آن‌ها نقاط عمده تصـمیم‌گیـری‌انـد کـه جامعـه در آن‌هـا مجدداً تعریف می‌شود» (پای، ۴۶۳:۱۳۸۰).

**دو.** رابینسون بحران را یک مقطع متراکم زمانی برای تصمیم‌گیری می‌دانـد کـه مـی‌توانـد بـه دلیل حجم تهدیدهای ناشی از نـوع تصـمیم، مخـاطرات بسـیاری را متوجـه منـافع بـازیگران سـازد (رابیسنون، ۱۳۷۵، ج۱، ص۴۵).

**سوم. رویکرد علّی:** در این رویکرد منشأ و علت بروز بحران مبنای تعریف است. بـه عنـوان مثال از دیدگاه اقتصادی، ضعف عملکرد دولت و تصمیمات نابه‌جا و نسـنجیده در ارتبـاط بـا نظـام اقتصادی، به بحران‌های اقتصادی و مالی نظیر تـورم، بیکـاری، رکـود، کسـر بودجـه و رخـدادهای مشابه منجر می‌شود و یا از دیدگاه سیاسی، ناتوانی رهبران سیاسی در جامعه و عدم وجود یک نظام

سیاسی عادلانه و عدم قابلیت اداره امور حکومتی به عنوان یک بحران تلقی می‌شود (اسماعیلی، ۱۴:۱۳۸۸).

**چهارم. رویکرد فرآیندی:** بر اساس این رویکرد «بحران عبارت است از وضعیتی که: اولاً هدف‌های عالی و حیاتی واحد تصمیم‌گیرنده را تهدید می‌کند. ثانیاً زمان واکنش را برای اتخاذ تصمیم محدود می‌کند. ثالثاً عناصر و عوامل تصمیم‌گیرنده را با بروز ناگهانی خود غافلگیر می‌کند» (کاظمی، ۱۳:۱۳۶۶). به دو نمونه از این دست تعاریف اشاره می‌شود:

**یک.** «بحران را می‌توان شرایط غیرعادی دانست که در آن، مشکلاتی ناگهانی و پیش‌بینی‌ناپذیر پدید می‌آیند و در چنین شرایطی، ضوابط، هنجارها و قوانین مرسوم، کارساز نخواهد بود» (باقری، ۳:۱۳۸۵).

**دو.** بورنت بحران را انتهای طیفی می‌داند که با حادثه شروع می‌شود، با تعارض ادامه می‌یابد و به بحران که شدیدترین حالت به هم ریختگی است ختم می‌شود (بورنت، ۱۹۹۸، ص۴۷۴).

چینی‌ها بحران را به عنوان یک فرصت و تهدید می‌دانند. در این زبان واژه بحران معادل فرصت خطرناک، یعنی ترکیبی از تهدید و فرصت تعریف شده است. این تعریف به ما کمک می‌کند که از نظر مدیریتی (تصمیم‌سازی) به بحران نگریسته، و دور از مناقشات مفهومی و گونه‌شناختی، هر بحران را به عنوان یک عرصه تدبیر و تصمیم (ترکیبی از تهدیدات و فرصت‌ها) مورد مطالعه قرار دهیم (حسینی،۱۳:۱۳۸۴). بحران‌ها از آن جهت که شوک یا ضربه‌ای ناگهانی به نظام‌های اجتماعی وارد می‌کنند و آن‌ها را به تلاش و تدبیر خردمندانه فرامی‌خوانند، نوعی فرصت تلقی می‌شوند (روشندل اربطانی، ۳۷:۱۳۸۷). با این نوع تعریف بحران دیگر یک تحول نا مساعد نیست بلکه می‌تواند پله صعود و پیشرفت قرار گیرد. اگر بحران را این‌گونه معنا کنیم رویکردی هم که نسبت به بحران اتخاذ خواهیم کرد رویکردی فعال و ایجابی خواهد بود و صرفا نگاهی منفعل و سلبی نخواهیم داشت.

### ۱-۲. مدیریت جهادی

تعریف مدیریت جهادی در تعریف مفهوم جهاد نهفته است و اگر صفت جهاد روشن گردد، منظور از مدیریت جهادی روشن خواهد شد. این کلمه از ریشه «جهد» به معنای «وسع، طاقت،

سختی و مشقت» است. جهاد و مجاهد، تلاش توأم با رنج است. «مجاهده» به معنای به کاربردن آخرین حد وسع و قدرت در دفع دشمن است و جهاد بر سه قسم است، جهاد با دشمن ظاهری، جهاد با شیطان، جهاد نفس (اصفهانی ۱۴۱۲ق ج۱: ۲۰۸). کلمه جهاد در قرآن کریم در سه معنا به کار رفته است. مبارزه، سعی و تلاش بسیار و استطاعت و توانایی مفهوم اصلی در تمامی معانی مذکور تلاش و مجاهده بسیار است و جهاد تأکید بر اتخاذ حداکثر توان در انجام امور را دارد و بر تلاش مضاعف از شرایط عادی اشاره دارد. بنابراین مدیریت جهادی آن نوع از مدیریت است که، مدیران حداکثر توان خود را در اداره امور به کار می‌بندند و تلاش بسیاری در حل مشکلات و مسائل دارند.

### ۱-۳. مدیریت بحران

در شرایط بحرانی الگوهای رایج مدیریت کارساز نیستند و باید به سراغ الگوهای خاص مدیریت بحران رفت که اضطراب، فشار، کمی دقّت و در کل شرایط خاص بحران را در نظر دارند. بنابراین «مدیریت بحران» نوع و شکل خاصی از مدیریت است که با دیگر رویکردها و الگوهای مدیریت متفاوت بوده و ویژگی‌های خاص خود را دارا می‌باشد.

مدیریت بحران را می توان فرایند به کارگیری جامع، بهینه و سریع منابع در دسترس برای کنترل ناآرامی‌ها و اختلالات با حداقل هزینه و خسارت دانست. بر این اساس، شاهد تقابل دو دسته از بازیگران هستیم که ممکن است هر کدام دارای بخش‌ها و طیف‌های گوناگونی باشند و در این تقابل الگوهای مدیریت بحران از جانب بازیگران حاکم به کارگیری می‌شوند تا در این تقابل پیش آمده، بستری را فراهم سازند که شرایط به حالت عادی باز گردد و طرف مقابل کنترل و هدایت شود. ناگفته نماند که مدیریت بحران را نمی‌توان به مثابه یک علم دقیقه دانست و آن را در حد «تسکین و فرونشاندن» تقلیل داد. مقدم بر هر چیز، مدیریت بحران هنری است که از رهگذر آن دولت مردان، نخبگان و بازیگران در صحنه، نقش تعیین‌کننده خود را به نمایش می‌گذارند (تاجیک، ۱۳۷۹:۴۸). مدیریت بحران ترکیبی کاربردی است از عقل سلیم، تجربه - تجربه شخصی و دیگر افراد- و بهره‌گیری از زمان با توجه به تمرکز بر روی مشکل می‌باشد (parsons, 1996, p26).

## ۲. الگوی چرخشی مدیریت بحران

در میان الگوهای رایج مدیریت بحران، اصول الگوی جامع مدیریت بحران با توجه به مراحل مختلف شکل‌گیری، ایجاد و پایان بحران طراحی شده است و دربردارنده تمامی اصول مذکور در الگوهای رایج و مطرح در این حوزه است. روشندل اربطانی و همکاران الگویی را با عنوان الگوی چرخی شکل مدیریت بحران ارائه کرده‌اند که می‌توان آن را دربرگیرنده تمامی الگوهای رایج علم مدیریت دانست. از این الگو می‌توان اصول دوازده‌گانه‌ای را استنتاج نمود که مبنای الگوی جامع مدیریت بحران است. این الگوی چرخی شکل، از چهار مرحله‌ی قبل، شروع، حین و پس از بحران تشکیل شده است که هر کدام از این مراحل اصول خاص خود را می‌طلبد. در این الگو هر مرحله و نوع مدیریت آن بر مرحله بعدی اثر گذار است.

مرحله قبل از بحران شامل سه اصل پیش‌بینی، پیش‌گیری و آمادگی می‌شود. این سه اصل منجر می‌شود که مجموعه در روبه‌رویی با بحران غافلگیر نشده و با آمادگی لازم و تجهیزات مناسب با بحران روبه‌رو گردد. مرحله دوم، مدیریت بحران در شروع بحران است. مرحله سوم مدیریت بحران در حین بحران است که مهم‌ترین مرحله مدیریت بحران می‌باشد. این مرحله دارای سه اصل امداد و نجات، عملیات ویژه و مهارسازی است. آخرین مرحله مدیریت بحران که معمولاً مورد غفلت قرار می‌گیرد، مرحله پس از بحران است، که شامل سه اصل بازیابی، بازسازی و یادگیری است (روشندل اربطانی، ۱۳۸۷: ۴۸-۵۰). این الگو به نوعی جامع دیگر الگوهای مدیریت بحران به نظر می‌رسد و تمامی اصول موجود در دیگر الگوهای موجود را دارا می‌باشد، چرا که با توجه به نگاه چرخشی و سیستمی از سویی و از سوی دیگر بیان مرحله‌ای مدیریت بحران، مجموعه‌ی اصول و مراحل دیگر الگوهای مدیریت بحران را در خود جای داده است.

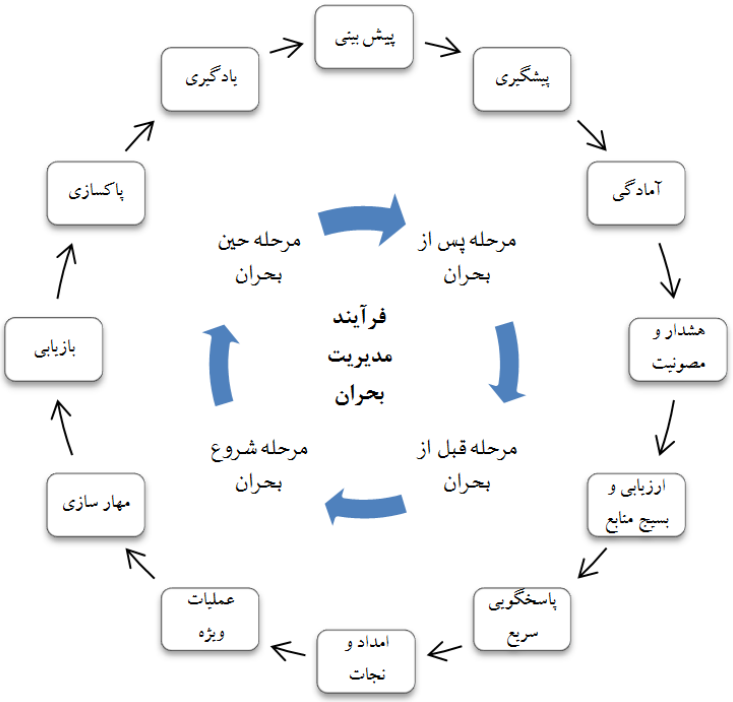


نمودار ۱. الگوی چرخشی مدیریت بحران

## اصول مدیریت جهادی بحران در سیره انبیاء (ع)

سرّ تبیین سیره‌ی مشترک پیامبران در قرآن این است که آنان گرچه از نظر زمانی و مکانی و سایر لوازم مادی از یکدیگر جدا هستند، ولی در حقیقت به هم پیوسته اند، زیرا حق گرچه در مظاهر گوناگونی ظهور می کند، ولی یک واحد متصل است و باطل‌ها، گرچه در کنار هم باشند همواره از هم گسسته‌اند. آنچه در جهان هستی حق و ثابت است، ذات و صفات ذاتی خدای سبحان و نیز وحی و رسالت است که در مظاهر گوناگون ظهور می کند. سیره‌ی مشترک پیامبران، جامعه انسانی را به گذشته و آینده‌ی مستمر پیوند می‌دهد، چنین نیست که در جهان تکوین گاهی حق حکومت کند، و گاهی باطل، گاهی پیامبران زمام حکومت مردم را به‌دست گیرند و گاهی طاغیان و نظام عالم اصل ثابتی نداشته باشد. گرچه ظاهر دولت‌ها دست به دست می گردد: «تِلْکَ الْأَیامُ نُداوِلُهَا بَینْ النَّاس» (آل عمران/۱۴۰)؛ اما نظام هستی بر اساس حق استوار است و باطل‌ها

علف‌های هرزی هستند که در مزرعه‌ی آفرینش می‌رویند و همواره محکوم به نابودی هستند (جوادی آملی ۱۳۸۵ج۶، ص۲۱).

از آن جایی که تحقیق حاضر توانایی تحلیل تمام قصص پیامبران (ص) در قرآن به منظور مطالعه سیره‌ی مدیریت بحران ایشان را ندارد، با توجه به دو ملاک به مطالعه سه داستان از قصص قرآنی پیامبران می‌پردازد: اولاً بحران در تعریف اصطلاحی و رایج بیشتر در اجتماع رخ می‌دهد و در قالب زندگی سیاسی، اجتماعی انسان‌ها مطالعه می‌شود، بنابراین سعی شده به سراغ داستان‌هایی برویم که در جامعه‌ای رخ داده باشد که رسولی بر آن حکمرانی می‌کند. ثانیاً فراوانی آیات دیگر ملاکی است که نشان‌دهنده‌ی اهمیت موضوع مورد بحث و تأکید قرآن کریم بر آن موضوع بوده و نیز امکان استخراج اصول مدیریت بحران نیز ممکن می‌باشد. از میان قصص قرآنی به سه داستان از زندگانی سه پیامبر اولوالعزم می‌پردازیم، نوح (ع)، موسی (ع) و محمد (ص). صفت اولوالعزمی در آن پیامبران عظیم‌الشأن صفتی است که گویای رویکرد جهادی ایشان در هدایت و مدیریت جوامع بشری است. ایشان صاحبان عزم و اراده‌های بلند بوده و تمام تلاش خویش را معطوف بر هدایت قوم خویش و اداره امور ایشان می‌کردند.

نخست به داستان حضرت نوح (ع) می‌پردازیم که به دلیل اهمیت آن در ۱۴ سوره‌ی قرآن کریم آمده است، چنان‌که سوره‌ای نیز به نام آن حضرت نازل شده است (جوادی آملی۱۳۸۵ج۶، ص۲۴۲). یکی از آن قصص قصه‌ی ساختن کشتی و تمسخر قوم نوح (ع) بر این عمل می‌باشد، که می‌توان آن را یک بحران اجتماعی و فرهنگی دانست. بحرانی که نوعی جنگ روانی را حکایت می‌کند، جنگ روانی علیه نوح (ع) و مؤمنان قومش. نوح (ع) آن شرایط سخت و دشوار را با هدایت خداوند متعال و با اتخاذ اصول مدیریتی الهی کنترل نمود و مسیر را برای هدایت قومش فراهم کرد.

داستان دوم فریب خوردن بنی‌اسرائیل توسط سامری است. گمراهی و تباهی فکری، از بارزترین و روشن‌ترین مصادیق بحران‌زدگی یک جامعه است. بحران فکری و روانی موجب سرگردانی و حیرانی می‌گردد و جامعه را از مسیر حقیقی خود دور می‌نماید. گمراهی قوم بنی‌اسرائیل در زمانی که موسی (ع) به فرمان خداوند چهل روز به کوه طور رفته بود، گویای بحران عظیم در قوم بنی‌اسرائیل بود. موسی (ع) بعد از بازگشت از کوه طور، قوم خود را گوساله

پرست یافته و تلاش‌های خود را از دست رفته دید. او به عنوان رهبری و مدیری الهی تـلاش کـرد بنی‌اسرائیل را از این بحران نجات دهد. آیات متعدد قرآن کریم به این موضـوع اختصـاص دارد و خداوند متعال در سوره‌های طه و اعراف به بیان جریان انحراف بنی‌اسرائیل پرداخته است.

داستان سومی که مورد بررسی قرار می‌گیرد جریان نبـرد احـزاب در سـال پـنجم هجـرت نبـی مکرم اسلام است. جنگ نمونه‌ای روشن و کامل از یک بحران تمام عیار است. در میانـه‌ی جنـگ ترس، فشار، اضطراب، نگرانی، غافگیری و تمامی علائم بحران رخ مـی‌دهـد و در ایـن بـین نقـش مدیران و رهبران در کنترل بحران بسیار مهم و حساس و تعیین‌کننده اسـت. از حـوادث مهـم سـال پنجم هجرت که به قول معروف در ماه شوال آن سال اتفاق افتاد جنگ خندق بود،که با توجـه بـه کثرت سپاه و تجهیزات لشکریان قریش، و محاصره طولانی و نبودن آذوقه‌ی کافی در شهر مدینه، و دشواری وضع اقتصادی، کار شکنی‌های داخلی که از ناحیه‌ی یهود بنی قریظه و منافقین می‌شد و به سختی مسلمانان را تهدید می‌کرد، برای پیغمبر اسلام و پیروان آن بزرگوار یکی از سـخت‌تـرین جنگ‌ها و دشوارترین درگیری‌ها بود (رسولی محلاتـی، ۱۳۸۹، ص ۴۱۵). نبـرد احـزاب (خنـدق) یکی از حساس‌ترین غزوات پیامبر (ص) در طول دوران بعثت ایشان می‌باشد، چرا که در این نبـرد سپاه اسلام از جانب سه گروه مورد هجمه‌های روانی و فیزیکی قرار گرفـت. گـروه نخسـت کفـار بودند که از طوایف و قبایل مختلف گرد هم آمـده و بـا تمـام تـوان قصـد حملـه بـه مدینـه مرکـز حکومت پیامبر (ص) و نابودی اسلام را داشتند. گروه دوم یهودیان ساکن در مدینه بودند که مانند ستون پنجم عمل کـرده و قصـد ضـربه زدن و غـافلگیر کـردن مسـلمانان را داشـتند و گـروه سـوم منافقانی بودند که در میان مسلمانان به شایعه پراکنی و جنگ روانی می‌پرداختند و قصد داشتند که اراده‌ی مسلمانان را سست نمایند. بنابراین می‌توان «احزاب» را بحرانی تمام عیار دانست که به لطف الهی و مدیریت و رهبری خردمندانه‌ی رسول اکرم (ص) کنترل و مدیریت شد. در ادامه به بررسی اصول مدیریتی به کار گرفته شده توسط نبی مکرم اسلام در این بحـران مـی‌پـردازیم. در آیـاتی از سوره احزاب شرایط سخت نبرد به خوبی توصیف شده است.

## قبل از بحران

### پیش‌بینی

مدیر جهادی غافلگیر نمی‌شود و با ابزارهایی که در اختیار دارد آینده را رصد و آینده را پیش‌بینی می‌نماید. در جریان غزوه احزاب رسول اکرم (ص) با ارسال مأموران و مخبران مسلمان به نقاط مختلف از هرگونه خطر احتمالی آگاه می‌شد. یکی از این اخبار مهم و حساس که فرصت بسیار مناسبی را در اختیار رسول اکرم (ص) قرار داد، خبر جنگ احزاب بود. از وسایل پیروزی رسول اکرم (ص) در اعمال نظامی پس از جنگ احد و پیش از غزوه خندق پخش کردن مراقبین و جاسوس‌ها در پیرامون پایتخت نهضت اسلام بود، که او را از هرگونه حرکتی و یا نقل و انتقالاتی و نیز تشکیل اجتماعات و مقاصد خصمانه دشمنان آگاه می‌نمودند (طلاس، ۱۳۵۴: ۳۷۰). رسول الله (ص) در سایه عنایات خداوندی با اقدامات مقتضی توانست بحران و جنگ احتمالی احزاب را پیش‌بینی کند و بدین صورت مسلمانان در برخورد با بحران غافلگیر نشدند و با توجه به این پیش‌بینی توانستند تصمیمات مناسب را اتخاذ نمایند و با مشورت و نهایتاً حفر خندق به استقبال نبرد رفتند. مسلمانان از حمله دشمن مطلع بودند و این امر از قبل وعده داده شده بود و غیر منتظره نبود:

- «گفتند: این همان است که خدا و رسولش به ما وعده داده، و خدا و رسولش راست گفته‌اند!» (احزاب/۲۲)

روایتی از امیرالمؤنین (ع) منقول است که ایشان می‌فرمایند که پیامبر (ص) به آن موضوع (حمله کفار) از طریق جبرئیل آگاه بودند، «بنابراین برای خود و دیگران خندق حفر کردند» (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ج۲، ص۲۶۸).

### پیش‌گیری

دور اندیشی و از حوادث پیش رو و دیدن موانع موجود در مسیر حرکت جامعه و جلوگیری از وقوع آن از جمله ضروریات یک مدیریت جهادی است که تلاش فراوان دارد که از بحران‌های پیش رو جلوگیری کند. انذار و تبشیر از جمله اصول مشترک مدیریت تمامی انبیاء الهی در اداره جوامع بشری و هدایت ایشان بوده است. نوح (ع) با روش عمومی انبیاء یعنی انذار و تبشیر سعی

کرد از بروز بحران اجتماعی جلوگیری کند و آنان را از آفات و آسیب‌های بحران مطلع سازد. یکی از اصلی‌ترین روش‌های پیش‌گیری از بحران انذار و تبشیر می‌باشد:

«من برای شما بیم‌دهنده‌ای آشکارم» (هود/۲۶)، «بر شما از عذاب روز دردناکی می‌ترسم» (هود/۲۵)،

«تا (از عواقب اعمال خلاف) بیمتان دهد، و پرهیزگاری پیشه کنید و شاید مشمول رحمت گردید» (اعراف/۶۳)

موسی (ع) همچون رهبری مدبر و دور اندیش از آینده و حوادث در پیش نگران بود و برای هدایت قومش در مسیر دشوار بندگی تدابیر متعددی را به کار می‌بست. انذار و تبشیر قوم از حوادث و بحران‌های پیش‌رو و انتخاب جانشین و هادی در غیاب خویش از جمله تدابیر وی در جلوگیری از بروز بحران در قوم بنی‌اسرائیل بود. موسی (ع) قبل از رفتن به کوه طور اقدامات پیش‌گیرانه‌ای انجام می‌دهد، تا هر چه بیشتر احتمال وقوع بحران را کاهش دهد. خداوند متعال در آیات مربوط به این جریان، خطاب به بنی‌اسرائیل ایشان را از غضب خویش انذار می‌دهد و به آنان توصیه می‌کند با اعمالتان، خود را گرفتار غضب خداوندی نکنید:

«و در آن طغیان نکنید، که غضب من بر شما وارد شود و هر کس غضبم بر او وارد شود، سقوط می‌کند» (طه/۸۱)

همچنین موسی (ع) قبل از عزیمت به کوه طور برادرش هارون (ع) را که فردی صالح بود در میان بنی‌اسرائیل به جانشینی منصوب کرد و رهبری آنان را به وی سپرد. این عمل او نشان‌گر اهمیت وجود یک رهبر و سرپرست در بین یک جامعه است آن هم چنین جامعه‌ای که از ثبات اعتقادی و فکری لازم بر خوردار نبود. وجود یک رهبر و جانشین در غیابش عاملی بود که مانع تفرقه و گمراهی در بنی‌اسرائیل می‌شد.

«و موسی به برادرش هارون گفت: جانشین من در میان قومم باش. و (آنها) را اصلاح کن! و از روش مفسدان، پیروی منما!» (اعراف/۱۴۲)

موسی (ع) برادرش هارون را امر به اصلاح و اجتناب از پیروی روش اهل فساد می‌کند، و حال آن‌که هارون (ع) هم خود پیغمبری مرسل و معصوم از معصیت و پیروی اهل فساد بوده، و قطعاً موسی بهتر از هر کس به مقام برادرش عارف بوده، پس قطعاً مقصود آن حضرت از این کلام نهی

هارون از کفر و معصیت نبوده، بلکه مقصودش این بوده که در اداره امور مردم به آراء مفسدین ایشان گوش ندهد، و مادامی که موسی (ع) غائب است از آنان پیروی ننماید. از اینجا معلوم می‌شود که در آن روز در میان بنی‌اسرائیل مردمی مفسد وجود داشته‌اند که همواره در کمین بوده‌اند که زحمات این دو بزرگوار را خنثی نموده و با نقشه‌های شوم خود در کار ایشان کارشکنی کنند، لذا موسی (ع) سفارش می‌کند مبادا راه و روش و پیشنهادات آن‌ها را بپذیرد و در نتیجه دستخوش کید و مکرآنها گردد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج۸، ص۳۰). در میان توصیه‌هایی که موسی (ع) به هارون (ع) می‌کند دو نکته وجود دارد: عمل به صلاح و اصلاح، عدم تبعیت از مفسدان قوم و این دو نکته به منظور پیش‌گیری از وقوع بحران بود.

رسول اکرم (ص) نیز قبل از نبرد بزرگ احزاب، هر گونه مخالفت احتمالی و حمله به مدینه را سرکوب کرد و در غزوات و سریه‌های متعدد مدینه و اطراف آن را ایمن‌سازی کرد. پیامبر اسلام (ص) با این سریه‌ها و غزوات پایه‌های نهضت اسلام را در مدینه محکم کرد، و به ویژه با غزواتی که انجام داد و قسم اعظم آن را نیز خود رهبری کرد (طلاس، ۱۳۵۴: ۳۷۰). نشان دادن وجهه‌ای قدرتمند از جهان اسلام و برخورد با هرگونه حرکت مشکوک در اطراف مدینه ترسی را در دل کفار ایجاد کرده بود که به راحتی به خود اجازه تجاوز به سرزمین اسلام را نمی‌دادند.

## آمادگی

**اول. هدایت و تربیت:** یکی از اصول مشترک تمامی انبیاء هدایت و تربیت است که آمادگی لازم را در برابر تحولات و امتحانات آینده ایجاد می‌کند. هدایت و تربیت اصلی است عام که انبیاء الهی بر آن توجه داشتند. هدایت و تربیت یکی از کارآمدترین ابزارها در پیش‌گیری از بحران‌ها است. نوح (ع) همچون دیگر انبیاء الهی دعوت به توحید و تقوا را سرلوحه‌ی برنامه‌ی خویش قرار داد و قومش را دلسوزانه به پرستش خداوند یگانه و ترک بت‌پرستی دعوت می‌کرد. قرآن کریم هدایت‌گری نوح (ع) در آیات متعدد بیان می‌کند که به نمونه‌ای از آنان اشاره می‌شود:

«ما نوح را به سوی قومش فرستادیم (نخستین بار به آنها گفت): «من برای شما بیم‌دهنده‌ای آشکارم!» (هود/۲۵)

«جز اللَّه [خدای یگانه یکتا] را نپرستید زیرا بر شما از عذاب روز دردناکی می‌ترسم» (هود/۲۶)

«رسالت‌های پروردگارم را به شما ابلاغ می‌کنم و خیرخواه شما هستم و از خداوند چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید» (اعراف/۶۲)

«و ما نوح را به‌سوی قومش فرستادیم او به آن‌ها گفت: «ای قوم من! خداوند یکتا را بپرستید، که جز او معبودی برای شما نیست! آیا (از پرستش بت‌ها) پرهیز نمی‌کنید؟!» (مؤمنون/۲۳)

موسی (ع) نیز از ابتدای رسالت خود به لطف الهی معجزات و با ارائه‌ی ادله‌ی روشن بسیاری به منظور هدایت بنی‌اسرائیل تلاش بسیاری انجام داد، وی سعی کرد بنی‌اسرائیل را از نظر فکری رشد دهد تا در مواقع حساس از مسیر هدایت دور نشوند. اولین اقدام او فراهم کردن بستر مناسب برای رشد فکری و عقلی بنی‌اسرائیل است. موسی کلیم (ع) برای هدایت قومش از دو روش و ابزار بهره برد: براهین عقلی و معجزه.

چون برهانی عقلی به حس نزدیک نیست، به حال اکثر انسان‌ها که گرفتار حسّند، نافع نمی‌باشد. اما معجزه، چون آیه‌ی بینه است برای همگان مفید است و قابل انکار نیست. ممکن است برهان عقلی را بر اثر جهل خود انکار کند، اما معجزه را جز به تجاهل نمی‌شود انکار کرد (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج۶، ص۵۷). موسی (ع) به لطف و مدد الهی معجزات بسیاری را برای هدایت قومش به کار بست. شکافتن دریا، تبدیل شدن عصا به اژدها، ساطع شدن نور از کف دست و ... همگی از جمله معجزاتی بودند که خداوند متعال برای هدایت بنی‌اسرائیل در اختیار موسی (ع) قرار داد.

علاوه بر معجزه، موسی (ع) برای هدایت قومش از استدلال‌ها و براهین عقلی نیز بهره برد تا آنان را به ایمان واقعی و یقین قلبی رهنمون سازد و آماده‌ی امتحانات و بحران‌های پیش رو نماید، البته این براهین عقلی ساده بوده و در سطح فهم بنی‌اسرائیل در آن موقعیت زمانی می‌باشند. به عنوان مثال هنگامی که بنی‌اسرائیل از رود نیل عبور کردند و در راه با قوم بت‌پرستی روبه‌رو گشتند، رو به موسی (ع) کرده و بت‌هایی همانند بت‌های آنان طلب کردند. موسی (ع) در پاسخ ایشان سعی کرد استدلال ساده‌ای را مبنی بر ناتوانی بت‌ها و بی‌تأثیری آنان بیان کند تا بنی‌اسرائیل را از خواسته خود منصرف نماید:

«گفت: شما جمعیتی جاهل و نادان هستید.» (اعراف/۱۳۸)

«اینها (را که می‌بینید)، سرانجام کارشان نابودی است و آنچه انجام می‌دهند، باطل (و بیهوده) است» (اعراف/۱۳۹)

«(سپس) گفت: آیا غیر از خداوند، معبودی برای شما بطلبم؟! خدایی که شما را بر جهانیان (و مردم عصرتان) برتری داد!» (اعراف/۱۴۰)

نکته مهم دیگری که موسی (ع) جهت هدایت و تربیت قومش بدان توجه داشت فراهم کردن شرایط لازم برای رشد و هدایت بود، چرا که نبود شرایط مادی مناسب برای تربیت و رشد سبب می‌شود که افراد به کمال مطلوب نرسند. موجودات زنده برای رشد و تکامل به سه چیز احتیاج دارند: ۱. تربیت ۲. امنیت ۳. آزادی (مطهری، ۱۳۷۸، ص۱۵):

«ای بنی‌اسرائیل! ما شما را از چنگال دشمنتان نجات دادیم و در طرف راست کوه طور، با شما وعده گذاردیم و «منّ» و «سلوی» بر شما نازل کردیم» (طه/۸۰)

«بخورید از روزی‌های پاکیزه‌ای که به شما داده‌ایم و در آن طغیان نکنید، که غضب من بر شما وارد شود و هر کس غضبم بر او وارد شود، سقوط می‌کند» (طه/۸۱)

بعد از آن که قوم موسی (ع) از دست فرعونیان رها شدند، خداوند آنان را در «منّ» و «سلوی» قرارداد و شرایطی را فراهم کرد تا از لحاظ مادی در آسایش باشند و بتوانند از این شرایط بهره برده و زمینه‌ای برای رشد و هدایتشان فراهم گردد.

مسلمانان مدینه از انصار و مهاجرین، تحت هدایت و رهبری رسول اکرم (ص) قرار داشتند و از فیض وجودی او بهره‌های فراوانی بردند. تربیت اسلامی هم به آخرت نظر داشت و هم به امور دنیوی، برخلاف مسیحیت که علاقه‌ای به تربیت غیردینی نداشت و همین امر تربیت اروپا را آخر الامر زیاده از حد غیرمسیحی کرد توجه خاص اسلام به تربیت دنیوی، در قلمرو اسلام تربیت متوازنی به وجود آورد که ترکیب همجنس و متعادلی بود از علائق دینی و دنیوی. اساس تربیت اسلامی عبارت بود از ایمان و عمل صالح، و آنچه برآن نظارت می‌کرد ریعت بود و سنت. در واقع پیروی از آنچه سنت پیغمبر خوانده می شد، ایده‌آل اخلاقی و معنوی بود برای هر مسلمان. تربیتی که هدف آن ایجاد خلق و خویی بود که گویی می‌خواست برای دنیا چنان باشد که انگار در آن جاودانه است و برای خدا چنان که گویی در هر لحظه خواهد مرد. بدین‌گونه، برای قومی که می‌خواهد «امت وسط» بماند اعتدال بین جسم و جان یک قانون اخلاقی است (زرین‌کوب،

۱۳۸۷، ص ۷۰). این شیوه‌ی تربیتی مؤمنان را در برابر بحران‌های مادی و معنوی آماده می ساخت. در جریان نبرد احزاب مدیریت موفق سخت افزاری نبرد را ممکن ساخت و همچنین اسلام و مسلمانان را در تنگناهای دشوار و سخت روحی یاری‌گر شد.

**دوم. هوشیاری:** پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از آن چه مشرکان، یهودیان و منافقان و دیگر گروه‌های همراهشان در سر داشتند، کاملاً آگاه و مطلع بود. او ترکیب سیاسی، اجتماعی، واقعیت‌های فرهنگی و اقتصادی آنان را، به‌خوبی می‌شناخت. او روش‌ها، الگوها و اسلوب‌های دشمنان را می‌شناخت و از منش ایشان در زندگی مطلع بود (عاملی، ۱۴۱۶، ج۹، ص۷۴). نبی‌مکرم اسلام (ص) دارای اشراف اطلاعاتی کاملی از دشمن بود و از حرکات ایشان و سابقه‌ی دشمنان اسلام به خوبی آگاه بود، لذا هرگونه حرکت علیه مسلمانان را محتمل دانسته و آمادگی رویارویی با آنان را در خود و دیگر مسلمانان حفظ می‌کرد. او زندگی در حالت خوف و حذر را بر خود لازم می‌دانست، بنابراین احتمال وقوع ناگهانی بحران و تهدیدی علیه مسلمانان کاهش بسیاری می‌یافت و او نبود که غافلگیر می‌شد، بلکه دشمنان اسلام بودند که همیشه از ناحیه‌ی آگاهی و هوشیاری پیامبر (ص) و مسلمانان غافلگیر می‌شدند.

## شروع بحران

### هشدار و مصونیت

در آغازین ساعت شروع بحران هشدارهای دقیق و منطقی موجب مصونیت از آسیب‌های احتمالی می‌گردد و آمادگی لازم در جهت مواجهه صحیح با بحران را فراهم می‌کند. قرآن کریم در جریان نبرد احزاب منافقان را که در واقع، به مثابه ستون پنجم دشمن هستند، مفسد فی الارض و آن‌ها را بزرگترین دشمن حق و حقیقت می‌شمارد، به پیامبر اکرم (ص) هشدار می‌دهد که به آنان اطمینان نکند (علیخانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۱۳). قرآن کریم زمانی که داستان جنگ احزاب را بیان می‌دارد از سه گروه نام می برد، الف. مؤمنان حقیقی ب. منافقان ج. معوقین و مرددین که بیش از همه‌ی این گروه‌ها به منافقان اشاره دارد و آنان به دلیل نفاقشان از حال تعادل بیرون‌اند و به آنان امیدی نیست.

«آنها در همه چیز نسبت به شما بخیلند و هنگامی که (لحظات) ترس (و بحرانی) پیش آید، می‌بینی آن چنان به تو نگاه می‌کنند، و چشم‌هایشان در حدقه می‌چرخد، که گویی می‌خواهند قالب تهی کنند» (احزاب/۱۹)

توصیه قرآن کریم به رسول اکرم (ص) است که به این‌ها امید مبند، اینان افرادی بزدل، ترسو، فتنه‌گر، تفرقه افکن، عهدشکن و بی‌ایمان هستند که قلب‌هایشان مریض است و سبب دلسردی دیگر مسلمانان می‌گردند. قرآن در مقام روشنگری پیامبر را راهنمایی می‌کند. خدا می‌شناسد آن کسان از شما را که مردم را از شرکت در جهاد باز می‌دارند و آن منافقینی را که از شرکت مسلمانان در جهاد جلوگیری می‌کنند، و نیز آن منافقین را که به برادران منافق خود و یا به بیماردلان می‌گویند بیایید نزد ما و به جهاد نروید، و خود کمتر در جهاد شرکت نموده و از شما مسلمانان جان خود را دریغ می‌دارند. و همین که آتش جنگ شعله‌ور شد، ایشان را می‌بینی که از ترس به تو نگاه می‌کنند، اما نگاهی بدون اراده، و چشمانشان در حدقه کنترل ندارد، و مانند چشمان شخص محتضر در حدقه می‌گردد، و همین که ترس از بین رفت، شما را با زبان‌هایی تیزتر از شمشیر می‌زنند، در حالی که از آن خیری که به شما رسیده ناراحتند، و بدان بخل می‌ورزند. اینگونه افراد -که نشانی‌هایشان را دادیم- ایمان نیاورده‌اند، به این معنا که ایمان در دلهایشان جایگیر نشده (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج۱۶، ص۴۳۲).

## ارزیابی و بسیج منابع

هنگامی که رسول اکرم (ص) از جریان حمله به مدینه مطلع شدند مردم را خبر کرده و با آنها در مورد جنگ مشورت کردند، و آنها را به جد و جهد توصیه نموده و به آنها وعده پیروزی دادند به شرط صبر و تقوا، و در نهایت مردم را به طاعت خدا و رسولش امر نمودند. رسول خدا (ص) با مردم مشورت کردند-که بیشتر مشورت‌ها پیرامون جنگ پیشرو بود- می‌فرمودند: آیا خارج از مدینه با ایشان روبه‌رو شویم؟ یا در شهر بمانیم و خندق دور آن حفر کنیم؟ یا این‌که نزدیک شهر باشیم و پشتمان به کوه باشد؟ (عاملی، ۱۴۱۶، ج۹، ص۷۶) هنگامی که رسول خدا در جلسه مشورت با اصحابش نظرات را شنید، در نهایت تصمیم به ماندن در شهر گرفتند.

تدبیر حفر خندق در نتیجه مشورت با اصحاب بود، سلمان فارسی پیشنهاد داد کـه دور شـهر را خندق بکنند تا از ورود دشمن به شهر جلوگیری شود. رسول خدا (ص) این نظر مشورتی سلمان را مناسب دید و به کار بست. همان طور که از این شیوه و سیره رسول گرامی اسلام (ص) بر می‌آیـد ایشان با مشورت با دیگر مسلمانان از شرایط موجود ارزیابی لازم را به عمل آورده و بدین صورت با به کار گیری فکر جمعی در صدد بسیج منابع و توان موجود برآمدند.

## پاسخگویی سریع

از ویژگی‌ها یک مدیر جهادی عکس‌العمل سریع و بـه موقـع بـه بحـران و پرهیـز از انفعـال در مدیریت است. به این ویژگی در آیات قرآن کریم در عملکرد رسولان اشاره‌ها شده است.

- «و هنگامی که موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت، گفت: «پس از من، بد جانشینانی برایم بودید (و آیین مرا ضایع کردید)! آیا در مـورد فرمـان پروردگارتـان (و تمدیـد مدّت میعاد او)، عجله نمودید (و زود داوری کردید؟!)» سپس الواح را افکند، و سر برادر خـود را گرفت (و با عصبانیت) به سـوی خـود کشـید او گفـت: «فرزنـد مـادرم! ایـن گـروه، مـرا در فشـار گذاردند و ناتوان کردند و نزدیک بود مرا بکشند، پس کاری نکن که دشمنان مرا شماتت کنند و مرا با گروه ستمکاران قرار مده!» (اعراف/۱۵۰) این آیه گویای عکس العمل سـریع موسـی (ع) در همان آغازین مراحل روبه‌رویی با بحران است.

- «كُلَّمَا مَرَّ عَلَيهِ مَلَأٌ مِّن قَوْمِهِ سَخِرُواْ مِنْهُ قَالَ إِن تَسْـخَرُواْ مِنَّـا فَإِنَّـا نَسْـخَرُ مِـنكُمْ كَمَـا تَسْـخَرُون» (هود/۳۸) «هر زمان گروهی از اشراف قومش بر او می‌گذشتند، او را مسخره می‌کردند (ولی نوح) گفت: اگر ما را مسخره می‌کنید، ما نیز شما را همین‌گونه مسخره خواهیم کرد!» نوح در پاسخ فشار روانی و تمسخر گمراهان قوم پاسخ سریعی داده وی نیز آنان را تمسـخر مـی‌کـرد. موسـی (ع) نیـز هنگامی که از وادی طور بازگشت و انحراف قومش را دید به سرعت و بی‌درنگ و بدون از دست دادن زمان به سرعت اقدام کرد و جهت مدیریت بحران اقداماتی انجام داد.

## در حین بحران

### امداد و نجات

در یک بحران اجتماعی اولین اقدام نجات و احیاء آسیب‌دیدگان است. یک مدیر جهادی فرصت را از دست نمی‌دهد و به سرعت به امداد رسانی پرداخته تا شرایط را به حالت عادی برگردانده و کنترل شرایط را به دست بگیرید. در تمامی بحران‌های مذکور پیامبران در حین بحران شروع به انجام اقدامات لازم جهت جلوگیری از بحران و نجات بحران‌زدگان داشته‌اند. استدلال نوح (ع) در برابر اشراف قوم و تمسخرکنندگان، برخورد موسی (ع) با قوم گمراه خویش و بیان برهان عقلی برای ایشان و در نهایت برخورد وی با سامری، کمک و همدلی پیامبر به مؤمنان که در شرایط سخت و بحرانی نبرد احزاب قرار گرفته‌اند از جمله اقدامات امدادی ایشان به منظور نجات بحران زدگان است.

### عملیات ویژه

عملیات ویژه در مدیریت جهادی بحران در الگوی قرآنی توکل به خداوند و ایمان به لطف اوست. مدیریت جهادی بحران، در الگوی قرآنی به قدرت ماورائی و غیبی ایمان دارد و در سختی‌ها آن را یاری‌گر خویش می‌داند، لذا هیچ‌گاه دچار یأس، ناامیدی نمی‌گردد و ضعفی از خود نشان نمی‌دهد. نوح (ع) با توکل بر خداوند در نهایت شجاعت و شهامت در برابر دشمنان نیرومند و سرسخت خود می‌ایستد و قدرت آنان را به باد مسخره می‌گیرد و به آنان می‌گوید هر چه توان دارید جمع کنید و به مقابله با من بپردازید، او آنان را به مبارزه می‌طلبد و همه‌ی قدرت‌های آنان را پوچ می‌شمرد.

– «سرگذشت نوح را بر آن‌ها بخوان! در آن هنگام که به قوم خود گفت: «ای قوم من! اگر تذکّرات من نسبت به آیات الهی، بر شما سنگین است، (هر کار از دستتان ساخته است بکنید.) من بر خدا توکّل کرده‌ام! فکر خود، و قدرت معبودهایتان را جمع کنید سپس هیچ چیز بر شما پوشیده نماند (تمام جوانب کارتان را بنگرید) سپس به حیات من پایان دهید، و (لحظه‌ای) مهلتم ندهید! (امّا توانایی ندارید!)» (یونس/۷۱)

موسی (ع) که گمراهی قوم خود را دید و با این چنین بحران بزرگی روبه‌رو گردید، از خداوند طلب یاری کرد تا بتواند بر این بحران فائق آید و بنی‌اسرائیل را از گمراهی نجات بخشد.

«(موسی) گفت: «پروردگارا! من و برادرم را بیامرز، و ما را در رحمت خود داخل فرما، و تو مهربانترین مهربانانی!» (اعراف/۱۵۱) در طوفان انحراف‌های جامعه، رهبران به دعا و لطف الهی بیش از دیگران نیازمندند. «وَ أَدْخِلْنا فِی رَحْمَتِکَ» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج۴، ص۱۸)

در تمامی مراحل نبرد احزاب نیز و به خصوص در اوج نبرد خداوند متعال یاری‌گر مسلمانان بود و در آیات سوره احزاب صراحتا بر این موضوع اشاره دارد:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمت خدا را بر خود به یاد آورید» (احزاب/۹)

«خدا کافران را با دلی پر از خشم بازگرداند بی‌آنکه نتیجه‌ای از کار خود گرفته باشند و خداوند (در این میدان)، مؤمنان را از جنگ بی‌نیاز ساخت (و پیروزی را نصیبشان کرد) و خدا قویّ و شکست‌ناپذیر است!» (احزاب/۲۵)

مؤمنان آنان از حمله دشمن ترس به دل راه ندادند و به وعده الهی اعتماد نمودند. در جای جای نبرد احزاب، قرآن کریم لطف و عنایت الهی به مؤمنان واقعی را یادآور می‌شود. یکی از اصولی که باید مسلمانان در حین بحران به یاد داشته باشد توکل به خداوند متعال و طلب لطف الهی است، چرا که مسبب الاسباب و عامل اصلی پیروزی مسلمانان بر بحران‌ها و حوادث خداوند متعال است و اگر ما وظیفه‌ی خود را به خوبی انجام دهیم، خداوند به ما آگاه و بصیر است و ما را یاری می‌دهد. البته کاملاً روشن است که این اصل در تمامی مراحل مدیریت بحران جاری است و اختصاص آن به مرحله خاص چندان صحیح به نظر نمی‌رسد. اما در این تحقیق بر اساس سیر آیات به استخراج اصول پرداخته‌ایم که در نتیجه این اصل در مرحله دوم مدیریت بحران ذکر و بررسی شده است.

«و خداوند همیشه به آنچه انجام می‌دهید بینا بوده است»، همه امور به دست الهی است.» (احزاب/۹)

«آنها جز خدا هیچ سرپرست و یاوری برای خود نخواهند یافت» (احزاب/۱۷)

## مهارسازی

ثبات، پایداری و مقاومت از جمله خصوصیات مدیریت جهادی در بحران‌های اجتماعی است. پیامبران الهی در مشی جهادی در برابر بحران‌های اجتماعی ضعفی از خود نشان نداده انـد و راسـخ در برابر مشکلات مقاومت کرده و بحران را کنترل و مدیریت کـرده‌انـد. نـوح (ع) و پیـروانش در برابر فضای روانی ایجاد شده توسط اشراف و مشرکان قوم، از خود سستی و تزلزل نشان ندادنـد و به لطف الهی ایمان داشته، در راه هدف خود پایداری نمودند. تمسخر کفار مانع آنان نشـد و نـوح (ع) و همراهانش به ساخت کشتی ادامه دادند تـا روز موعـود فـرا رسـید. یکـی از اصـول مهـم در دوران بحران ثبات و پایداری و حفظ آمادگی روحی به منظور مهـار بحـران اسـت، چـرا کـه اگـر مدیر و بحران‌زدگان بر اثر بحران تعادل روحی و فکری از دست دهند نمی‌توانند بحـران را کنتـرل کنند، در نتیجه بحران گسترده‌تر شده و آثار مخرب آن بیش از پیش هویدا می‌گـردد. ایـن حالـت روحی سب تزلزل و سستی بحران زدگان خواهد شد.

«(به خاطر بیاورید) زمانی را که آنها از طرف بالا و پایین (شهر) بر شما وارد شدند (و مدینه را محاصره کردند) و زمانی را که چشمها از شدّت وحشت خیره شده و جان‌ها به لب رسـیده بـود، و گمان‌های گوناگون بدی به خدا می‌بردید»(احزاب/۱۰)

«آنجا بود که مؤمنان آزمایش شدند و تکان سختی خوردند»(احزاب/۱۱)

از هیبت لشـکر و از کثـرت و عـدد ایشـان دل ضـعفای اهـل اسـلام از جـای برفـت چنـان کـه حق‌تعالی می‌فرماید: إِذْ جاءُوكُمْ یاد کنید آن را که چون درآمدند بشما لشـگر مِـنْ فَـوْقِكُمْ از زبـر شما یعنی از اعلام وادی از جانب شرقی که بنی غطفان بودند وَ مِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ و از زیر شما یعنـی اسفل وادی از جانب مغرب که قریش بودند وَ إِذْ زاغَتِ الْأَبْصارُ و چون بگشـت دیـدها در احـداق یعنی از عادت خود بگردید و خیره شد از فرط خوف و شدت فزع و یا عـدول کـرد از دیـدن هـر شیئی و به غیر از عدو جای دیگر ننگریست به جهت شدت روع وَ بَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَناجِرَ و برسـید دل‌ها به حنجرها ... تَظُنُّونَ و گمان بردید ای اهل اسلام بِاللَّهِ بخدای تعالی الظُّنُونَا انواع گمان‌ها چه مخلصان ثابت القلوب را مظنه آن بود که آنکه حق‌تعالی انجاز وعده خـود فرمایـد و دیـن خـود را غالب گرداند و مؤمنان را نصرت دهد و منافقان را گمان آن که لشگر اسـلام تـاب حـرب احـزاب نیاورده مستاصل گردند (کاشانی، ۱۳۳۶، ج۷، ص۲۵۹).

امید به پیروزی و وعده‌ی حق الهی و رسول‌اکرم (ص) موجب ایستادگی مؤمنان شد و در نهایت جز منافقان بیمار دل که در صحنه نبرد مرعوب قدرت دشمن گشتند، مومنان با نبرد احزاب به صلابت و عزم راسخ روبه‌رو شدند و بر صدق وعده خداوند و رسولش اطمینان داشتند.

«مؤمنان وقتی لشکر احزاب را دیدند گفتند: «این همان است که خدا و رسولش به ما وعده داده، و خدا و رسولش راست گفته‌اند!» و این موضوع جز بر ایمان و تسلیم آنان نیفزود»(احزاب/۲۲).

## پس از بحران

### بازسازی

بازگشت به شرایط عادی زندگی پس از بحران، لازمه ادامه حیات اجتماعی است و مدیران جامعه سعی در اصلاح شرایط بحرانی و عبور از آن را دارند تا چرخه حیات جامعه به شکلی طبیعی ادامه یابد. نوح (ع) و قومش به عنایت خداوند از شرایط بحران گذر کردند و طوفان به امر الهی فرونشست و شرایط به حالت عادی بازگشت و تمامی آثار بحران بازسازی گردیده و بستر ادامه چرخه زندگی فراهم گردید.

«و گفته شد: ای زمین، آبت را فرو بر! و ای آسمان، خودداری کن! و آب فرو نشست و کار پایان یافت و (کشتی) بر (دامنه کوه) جودی، پهلو گرفت و (در این هنگام،) گفته شد: دور باد قوم ستمگر (از سعادت و نجات و رحمت خدا!)» (هود/۴۴)

نوح (ع) پس از پایان طوفان از خداوند طلب خیر و برکت می‌کند و از او می‌خواهد آنان را در منزلگاهی پر برکت فرود آورد تا قومش را در شرایطی مساعد تربیت و هدایت نماید و زمینه را برای توسعه‌ی اجتماعی فراهم آورد.

«و بگو: «پروردگارا! ما را در منزلگاهی پربرکت فرود آر، و تو بهترین فرودآورندگانی!»» (مؤمنون/۲۹)

موسی (ع) نیز تلاش کرد بنی‌اسرائیل را مجدد به مسیر صلاح بازگرداند و آثار بحران را برطرف کرده و ایشان را از جهت اعتقادی بازسازی نماید، لذا مسیر هدایت را مجدد در برابر ایشان ترسیم کرد.

«معبود شما تنها خداوندی است که جز او معبودی نیست و علم او همه چیز را فرا گرفته است!» (طه/۹۸)

موسی (ع) بعد از آن که توانست بحران را کنترل کند، غضبش فروکش کرد، الواح و نسخه‌های الهی را که خداوند در کوه طور بر او نازل کرده برداشت و آنان را برای مردمی از بنی‌اسرائیل که خوف خداوند را در دل داشتند و توبه کرده بودند بازگو کرد و مسیر هدایت و رحمت الهی را در برابر آنان گشود.

«هنگامی که خشم موسی فرو نشست الواح (تورات) را برگرفت و در نوشته‌های آن، هدایت و رحمت برای کسانی بود که از پروردگار خویش می‌ترسند (و از مخالفت فرمانش بیم دارند)» (اعراف/۱۵۴)

خداوند در جریان نبرد احزاب، مسلمانان و مؤمنانی را که در آن فشارها و سختی‌ها، جبهه جنگ را رها نکرده و دین و رسول خدا را حمایت کردند را تشویق می‌کند و برای آنان پاداش در نظر می‌گیرد و در نتیجه پاداش زحمت‌ها و پایداری ایشان را در نظر گرفته، نیروی سپاه اسلام را بازسازی می‌کند.

«هدف این است که خداوند صادقان را بخاطر صدقشان پاداش دهد.»(احزاب/۲۴)

از سویی دیگر خداوند منافقان را که در طول جنگ قصد فتنه داشتند و در سپاه اسلام تزلزل ایجاد کردند به عذاب و عقاب انذار می‌دهد و سپاه اسلام را که در بهبوهه جنگ دچار آسیب شده بود بازسازی می‌کند.

«منافقان را هرگاه اراده کند عذاب نماید»(احزاب/۲۴)

«خداوند اعمالشان را حبط و نابود کرد و این کار بر خدا آسان است.»(احزاب/۱۹)

## پاکسازی

یکی از اقداماتی که لازم است بعد از وقوع بحران انجام گیرد پاک‌سازی و جمع‌آوری و بعضاً نابود کردن آثار و ابزار بحران است. ریشه کن کردن زمینه‌های وقوع بحران اقدامی است منطقی به منظور مصونیت بخشی به جامعه تا مجدد از همان عامل بحران‌زا دچار آسیب نشود. قرآن کریم حذف عوامل بحران‌زا را از اصول مدیریت جهادی بحران می‌داند و بر آن است که در

رویکردی سرسختانه و بدون کمترین اقماضی عوامل انحراف و بحران اجتماعی را ریشه کن کند. در داستان نوح (ع) طوفان آغاز شد و آب از آسمان و زمین فوران کرد و تمام زمین را آب فرا گرفت و نوح (ع) و مؤمنان قومش نجات یافتند و گمراهان و مشرکان همگی غرق شده و نابود گشتند و زمین از لوث وجودشان پاک گردید. و بدین ترتیب عوامل بحران‌زا گرفتار غضب الهی شدند و از بین رفتند.

«و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، غرق کردیم چه اینکه آنها گروهی نابینا (و کوردل) بودند.» (اعراف/۶۴)

«و کسانی را که آیات ما را تکذیب کردند، غرق نمودیم!» (یونس/۷۳)

موسی (ع) در روند مدیریتی خود، ابزار اصلی بحران را که گوساله سامری بود، از بین برد، تا دیگر ابزاری برای سوء استفاده دیگر بیماردلان نباشد و آثاری از گمراهی در قومش هویدا نماند.

«(اکنون) بنگر به این معبودت که پیوسته آن را پرستش می‌کردی! و ببین ما آن را نخست می‌سوزانیم سپس ذرّات آن را به دریا می‌پاشیم!» (طه/۹۷)

اگر موسی (ع) طلاهایی که در ساختن گوساله به کار رفته بود، باقی می‌گذارد، و یا فی‌المثل در میان مردم تقسیم می‌کرد، باز ممکن بود روزی افراد جاهل و نادان به نظر قداست به آن نگاه کنند و خاطره گوساله‌پرستی از نو در آن‌ها زنده شود، در این‌جا می‌بایست این ماده گران‌قیمت را فدای حفظ اعتقاد مردم نمود و راهی جز این نبود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۱۳، ص۲۹۰).

رسول اکرم (ص) و مسلمانان نیز بعد از پیروزی در جنگ احزاب و دور کردن عامل اولیه بحران یعنی مشرکان به سراغ یهودیان بنی‌قریظه که از دیگر عوامل بحران بودند، رفتند، آنان که در طول جنگ احزاب پیمان‌شکنی کردند و با مشرکان همکاری نمودند. هنگام ظهر جبرئیل فرود آمد و به رسول خدا گفت: خدا تو را می‌فرماید: بر سر بنی‌قریظه رهسپار شوی و هم‌اکنون من بر سر ایشان می‌روم و در قلعه‌هایشان زلزله می‌اندازم. رسول خدا بلال را فرمود تا در میان مردم اعلام کند که هرکس مطیع و شنوای امر خدا و رسول است، باید نماز عصر را جز در بنی‌قریظه نخواند، آنگاه با سه هزار از مسلمانان که ۳۶ اسب داشتند رهسپار شد و رایت را علی (ع) بر دست گرفت و پیش تاخت (آیتی، ۱۳۷۸، ص۱۲۹).

## یادگیری

انسان دور اندیش و عاقل از تجربیات و حوادث زندگی خود به سادگی نمی‌گذرد و سعی دارد آن را تحلیل و علل و دلائل آن را بررسی و مطالعه کند تا نقشه راهی برای آینده گردد. بعد از اتمام بحران و نجات از حوادث، مطالعه و بررسی بحران و واکاوی دلایل، عوامل، ابزارها و ... همگی در مدیریت آینده بحران‌ها کارساز است و اندوخته‌ایست بر آیندگان. پروردگار متعال این داستان‌ها را به قدری مهم می‌داند که آن را برای رسول اکرم (ص) بارها در قرآن بیان می‌کند و آن را داستانی پندآموز می‌داند که درس‌ها و عبرت‌های فراوانی در خود دارد.

«اینها از خبرهای غیب است که به تو وحی می‌کنیم نه تو، و نه قومت، اینها را پیش از این نمی‌دانستید» (هود/۴۹)

«در این ماجرا (برای صاحبان اندیشه) آیات و نشانه‌هایی است و ما مسلّماً همگان را آزمایش می‌کنیم!» (مؤمنون/۳۰)

موسی (ع) نیز بعد از کنترل بحران و توبه قومش و برخورد با سامری از چگونگی نقشه و عمل وی سؤال می‌کند و از او می‌خواهد توضیح دهد به چه دلیلی بنی‌اسرائیل را گمراه کرد؟

«(موسی رو به سامری کرد و) گفت: «تو چرا این کار را کردی، ای سامری؟!» (طه/۹۵)

«گفت: من چیزی دیدم که آنها ندیدند من قسمتی از آثار رسول (و فرستاده خدا) را گرفتم، سپس آن را افکندم، و اینچنین (هوای) نفس من این کار را در نظرم جلوه داد!» (طه/۹۶)

موسی (ع) گفت: سامری را که چه چیز ترا برین داشت که کردی؟ گفت: من آن بدیدم و بدانستم که شما ندیدید و ندانستید و نه بنی‌اسرائیل دانستند، آن روز که در دریا می‌شدیم جبرئیل را بدیدم بر اسب حیاۀ، در دل من افتاد که از رد پای اسب جبرئیل قبضه‌ای خاک بردارم و بر هر چه افکنم حیوانی گردد با گوشت و پوست و روح، آن را در زر گداخته افکندم تا گوساله‌ای زنده گشت. اینست که گفت: «فَنَبَذْتُها» موسی گفت: چرا چنین کردی؟ گفت: «وَ كَذلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي» چون قوم ترا چنان بت پرستان را دیدم که گفتند: اجعل لنا الها کما لهم آلهۀ. نفس من مرا چنان بر آراست که آن گوساله کردم و آن قبضه بر وی افکندم (میبدی، ۱۳۷۱، ج۶، ص۱۶۷).

آیات سوره‌ی احزاب نیز که پیرامون جنگ صحبت می‌کند بعد از نبرد احزاب نازل شده‌اند، به گونه‌ای که مؤمنان را به یادآوری آن شرایط و مطالعه و بررسی عملکرد هر طرف توصیه می‌کند و می‌فرماید:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید به یاد آورید نعمت‌های خدا را هنگامی که شما را لشکرهایی (در بدر) آمدند. پس برسر آنان تندبادی و لشکرهایی که نمی‌دیدند فرستادیم و خدا به آنچه می‌کنید ناظر است» (احزاب/۹)

## نتیجه‌گیری

بحران همچون بسیاری از مفاهیم علوم اجتماعی مفهومی مبهم، سیال و چند چهره است، لذا ارائه‌ی تعریفی عام و قطعی از آن ممکن نیست. در میان تعاریف موجود، تعریفی که بحران را یک فرصت و یا تهدید می‌داند نگرشی فعال و مثبت به این مفهوم است. ترکیبی از فرصت و تهدید، فرصتی برای رشد و تعالی و تهدیدی برای سقوط و نزول. اگر بحران‌زدگان بتوانند در شرایط پیش‌آمده‌ی بحران، مدیریت منطقی و مناسبی داشته باشند، بحران پله‌ای برای رشد و تعالی خواهد بود، لکن سوء مدیریت مدیران ممکن است بحران را به حادثه‌ای پر هزینه و نهایتاً سراشیبی سقوط فرد و جامعه مبدل کند. بنابراین مدیریت موفق بحران آن است که بتواند بحران‌های اجتماعی را کنترل و هدایت کند و از شرایط خاص آن جهت رشد و تعالی بهره‌برداری کند. رویکرد مدیریت جهادی در مدیریت بحران‌های اجتماعی بر گرفته از قرآن کریم با ارائه اصول و الگوی فعال و پویا بحران را به فرصتی برای تکامل بدل کرده، از اتخاذ مشی منفعلانه جلوگیری می‌کند. پیامبران الهی که اسوه مجاهدان حقیقی در مدیریت جوامع بشری هستند، نمونه‌ای شاخص از مدیریت جهادی در بحران‌های اجتماعی را معرفی می‌نمایند. با بررسی سیره‌ی مدیریتی حضرت نوح (ع)، حضرت موسی (ع) و نبی مکرم اسلام (ص) به اصولی از مدیریت جهادی بحران دست یافتیم که برخی از آنان با الگوی مختار همخوانی داشته و گاهی در قالب آن نمی‌گنجید. نکته مهم است که در الگوی مدیریتی انبیاء عظام ایمان به قدرت غیبی و توکل به خدا اصولی است عام که بر اصول خاص مدیریت بحران رایج برتری دارد.

برخی از اصول مدیریت جهادی در الگوی قرآنی مدیریت بحران نیز وجود دارد که اصولی عام بوده و ناظر به دوره‌ی زمانی خاصی نیست و این اصول را در تمام مراحل مدیریت بحران و حتی تمامی مراحل رسالت می‌توان دید که این اصول از اصول عام مدیریت بحران هستند. که برخی از مهم‌ترین آنان عبارتند از: توکل، هدایت و تربیت و امید و ایمان به لطف الهی. در میان اصول استخراج شده برخی اصول ارتباط و اختصاص بیشتری نسبت به دیگر اصول با شرایط بحران و مدیریت جهادی بحران دارند. برخورد قاطع با عوامل بحران‌زا و گاه حذف آنان، مطالعه و بررسی بحران پس از بحران، پیش‌گیری و پیش‌بینی و مهارسازی حین وقوع بحران از جمله اصول ذکر شده‌ای هستند که با بحران و مدیریت بحران اختصاص بیشتری دارند.

جدول ۱: اصول عام و خاص مدیریت جهادی بحران در سیره نوح (ع) در قرآن کریم

| اصول عام مدیریت جهادی بحران | اصول خاص مدیریت جهادی بحران |
|---|---|
| ۱.توکل<br>۲.هدایت و تربیت<br>۳.یادآوری الطاف الهی | ۱.پیش‌بینی<br>۲.پیش‌گیری<br>۳.آمادگی<br>۴.هشدار و مصونیت<br>۵.ارزیابی و بسیج منابع<br>۶.پاسخ‌دهی سریع<br>۷.امداد و نجات<br>۸.عملیات ویژه<br>۹.مهارسازی<br>۱۰.بازسازی<br>۱۱.پاکسازی<br>۱۲.یادگیری |

# فهرست منابع

قرآن کریم

اسماعیلی، علیرضا (۱۳۸۸)، مدیریت بحران در حوزه ترافیک و حمل و نقل، تهران: دانشگاه علوم انتظامی .

آریان پور کاشانی، منوچهر (۱۳۷۷)، فرهنگ پیش رو آریان پور، تهران: نشر الکترونیکی و اطلاع‌رسانی جهان رایانه، جلد۱.

آیتی، محمد ابراهیم (۱۳۷۸)، تاریخ پیامبر اسلام، تهران: سمت.

باقری، مصباح الهدی (۱۳۸۰ )، «جنبه‌هایی از مدیریت بحران پیامبر اکرم (ص)»، نشریه پژوهشی، آموزشی و اطلاع‌رسانی اندیشه صادق، سال دوم، شماره ۳ و ۴، صص۴۴-۷۳.

بشیر، حسن (۱۳۸۷)، «رسانه‌ها و معناشناسی بحران»، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های ارتباطی، سال پانزدهم، شماره ۵۵، صص۹-۲۹.

بی نا (۱۳۸۵)، دائرةالمعارف قرآن کریم، قم: مؤسسه بوستان کتاب، جلد۶.

پای، لوسین و دیگران (۱۳۸۰)، بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی، غلامرضا خواجه سروی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹)، مدیریت بحران: نقدی بر شیوه‌های تحلیل و تدبیر بحران در ایران، تهران: فرهنگ گفتمان.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵)، تفسیر موضوعی قرآن کریم، قم: مرکز نشر اسرا، ج۶.

حسینی، حسین و سید مجید مجیدی (۱۳۸۴)، مدیریت بحران در حوزه ترافیک، تهران: انتشارات معاونت آموزش ناجا.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، جلد۳.

رابینسون، جیمز (۱۳۷۵)، بحران، در گزیده مقالات سیاسی و امنیتی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: مترجم، جلد۱.

رسولی محلاتی، سید هاشم (۱۳۸۹)، زندگانی حضرت محمد خاتم النبیین صلی‌الله علیه و آله، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی .

روشندل اربطانی، طاهر (۱۳۸۷)، «نقش مدیریت رسانه در تحول بحران از تهدید به فرصت»، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های ارتباطی، سال پانزدهم، شماره ۵۵، صص۱۴۱-۱۶۲.

زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۷)، بامداد اسلام، تهران: امیر کبیر.

طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جلد۸، ۱۰، ۱۶.

طلاس، مصطفی (۱۳۵۴)، پیامبر و آئین نبرد، تهران: مؤسسه انتشارات بعثت.

علیخانی، علی اکبر و همکاران (۱۳۸۶)، سیاست نبوی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
عمید، حسن (۱۳۶۹)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، جلد۴، ۵.
کاشانی، فتح الله (۱۳۳۶)، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: کتاب فروشی محمد حسن علمی، جلد۷.
کاظمی، علی اصغر (۱۳۶۶)، مدیریت بحران‌های بین‌المللی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل.
مطهری، مرتضی (۱۳۷۸) آزادی معنوی، تهران: انتشارات صدرا.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: انتشارات دار الکتب الإسلامیه، جلد۹، ۱۳.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷) ترجمه‌ی قرآن کریم، تهران: انتشارات تلاوت.
میبدی، رشیدالدین (۱۳۷۱) کشف الأسرار و عده الأبرار، تهران: انتشارات امیرکبیر، جلد ۶.

عربی

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳)، الخصال، قم: دفتر انتشارات اسلامی، المجلد۲.
عاملی، (۱۴۱۶)، الصحیح من سیره النبی الأعظم، بیروت: دار الهادی، المجلد۹.

لاتین

Burnet, John (1998) "A strategic approach to managing crisis", Public Relation Review, 24, 4.
Herman C.F. (1963) some consequences of crisis which limit the viability of organizations. Administrative Science Quarterly, 8, 61-82.
Parsons will (1996), "Crisis management", Career Development International, Vol. 1 Iss: 5, pp.26 – 28.
Perrow, c., (1984) Normal Accident, N.Y.: Basic Books.
Robert, Jonathan (1988), Decision-Making during International Crisis. London: Macmillan Press.